



در گذشتگان

◀ آیت الله هاجری

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد هاجری احسائی، یکی از فقهای منطقه قطیف و احساء (عربستان) به شمار بود.

فقید سعید در سوم شوال المکرم ۱۳۴۴ق در هفوف - از شهرهای منطقه احساء - زاده شد. مقدمات علوم را نزد شیخ احمد کبوعلی احسائی و شیخ علی اسکویی فراگرفت و در ۱۳۶۵ق به کربلا مهاجرت کرد و به تحصیل سطوح نزد آیات شیخ علی آل عیثان، شیخ محمدعلی تبریزی و شیخ محمد خطیب پرداخت و پس از آن، دروس فقه و اصول را در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی و سید مهدی شیرازی و شیخ یوسف خراسانی و فن حکمت و فلسفه را نزد شیخ علی اسکویی آموخت و همزمان به تدریس سطوح عالی پرداخت و بسیاری از فضلاء حوزه علمیه کربلا - مانند حضرات آیات سید صادق شیرازی، سید حسن شیرازی، سید محمدتقی مدرس، سید هادی مدرس و سید مصطفی اعتماد - را پرورش داد. در سال ۱۳۸۹ق به زادگاهش بازگشت و به تألیف، تدریس، اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت و در سال ۱۴۱۵ق قضاوت شرعی محاکم جعفری را - پس از وفات شیخ محمدباقر آل ابی خمین - بر عهده گرفت. برخی از آثار او عبارت است از:

۱. کتاب البیع؛

۲. رساله فی حقوق الوالدین؛

۳. رساله فی عدم التقدم علی قبر

المعصوم فی الصلاة؛

۴. تعلیقه عروة الوثقی؛

۵. تقریرات دروس اساتیدش.

او در هشتاد سالگی در اواخر ماه رجب

۱۴۲۵ق در زادگاهش در گذشت.

(کاظم الفتلاوی، المنتخب من اعلام

الفکر والادب، ص ۵۱۷).

ناصرالدین انصاری

*

◀ حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج

میرزا محمد وحید گلپایگانی



مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد وحید گلپایگانی یکی از مفاخر علمای گلپایگان و یادگار یکی از بیوت بزرگ با سابقه علم و فقه است بود که نام رجال آنها در یادنامه های شخصیت های علم و عمل جاودان می باشد (برای آگاهی بیشتر رجوع شود به رضا استادی، دانشمندان گلپایگان، ج ۱).

ایشان در سال ۱۳۰۵ ش در بیت علم و فضیلت به دنیا آمد. پدرش مرحوم آیت الله حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی (م ۱۳۵۲ ش) یکی از علمای بزرگ و به نام منطقه و از شاگردان مبرز مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری مؤسس حوزه

علمیه قم بود که در سال ۱۳۴۰ ق بعد از فوت پدرش آخوند ملا محمدجواد به درخواست اهالی گوگد گلپایگان و به امر آیت الله حایری به آن جا عزیمت نمود و ضمن ترویج دین به تأسیس مدرسه علمیه پرداخت.

فقید سعید در سن دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی روی آورد. نخست ادبیات و مقدمات و قسمتی از فقه و اصول را نزد پدرش در همان مدرسه علمیه گوگد فراگرفت. بعد در سال ۱۳۲۰ ش به قم مشرف شد و کتاب شرح لمعه را نزد مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی حائری فراگرفت، سپس در محضر درس آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، حجت تبریزی، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی شرکت کرد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. ایشان به سبب علاقه و آفری که به حضرت آیت الله العظمی بروجردی داشت قصیده ای را در وصف معظم له سرود و آن را قبل از ورود ایشان به شهر قم در نقطه ای به نام منظره - که جمعی از مردم و طلاب و علما به استقبال ایشان رفته بودند - قرائت کرد. این قصیده بیش از سی بیت دارد. در این جا به چند بیت آن اشاره می شود:

چهره برافروز تو ای نور پاک

مهر درخشان و مه تابناک

ای مه گردون فضیلت بتاب

ای گهر کان حقیقت، شتاب

یاور دین یک قدمی پیش نه

تاج شریعت به سر خویش نه

ای قدم پاک تو فرخنده باد

سایه اسلام و تو پاینده باد

مقدم تو رحمت یزدانی است

تابشی از پرتو رحمانی است

وی در سال ۱۳۲۶ ش عازم تهران شد و اوقات خود را در آن جا به مطالعه و تحقیق خصوصاً در زمینه تاریخ و ادبیات سپری نمود، برخی از تألیفات ایشان عبارتند از:

۱. ترجمه کتاب الفخری تألیف ابن طقطقی به نام تاریخ فخری که بنگاه ترجمه و نشر آن را چاپ و منتشر کرده است.

۲. ترجمه کتاب شیخ المضمیرة ابوهریره تألیف شیخ محمود ابوریه از شیوخ الازهر مصر که به نام بازرگان حدیث چاپ و منتشر شده است.

۳. کتاب معاویة سردسته تبهکاران که مطالب آن به تمامه از کتب و طرق اهل سنت نقل شده است.

۴. کتاب فرمان مبارک امیر المؤمنین علی (ع) به مالک اشتر نخعی.

۵. ترجمه کتاب ادب الکبیر و ادب الصغیر عبدالله بن مقفع صاحب کتاب کلیله و دمنه که چاپ شده است.

۶. کتاب گوشه ای از تاریخ و آشفنگی های آن و همچنین تعدادی درخور توجه از مقالات و جزوه ها در موضوعات مختلف که به اتمام رسیده، ولی تاکنون چاپ نشده است.

سرانجام ایشان در ۷۸ سالگی بر اثر بیماری در ۲۴ بهمن ماه ۱۳۸۳ مطابق با دوم محرم الحرام ۱۴۲۶ زندگی را بدرود گفت و طی مراسمی پیکر پاکش به گلپایگان منتقل و در آن جا دفن گردید.

سعید نخعی گلپایگانی

*

◀ دکتر عبدالحسین نوایی



دکتر عبدالحسین نوایی در شامگاه اول دی ماه

سال ۱۳۰۲ ش در یکی از محلات تهران تولد یافت. دوران تحصیلات ابتدایی را در دو مدرسه تمدن و ابن سینا و تمام دوران متوسطه را در دبیرستان شرف گذراندید.

وی در سال ۱۳۲۱ ش وارد دانشسرای عالی گردید و در سال ۱۳۲۳ ش به اخذ درجه لیسانس نائل آمد. البته در سال ۱۳۲۲ برای تحصیل در رشته حقوق امتحان داد و با وجود آن که رتبه دوم را به دست آورد به وی گفتند شما باید در یک دانشکده درس بخوانید و چون یک سال از تحصیل او در دانشسرای عالی می گذشت همان رشته معلمی را ادامه داد و سرانجام به سال ۱۳۲۴ دبیر دبیرستانی شد.

پایان نامه ایشان در مقطع کارشناسی قواعد گرامری با نگرش تاریخی بود و در آن هنگام، عباس اقبال آشتیانی که معلم آیین نگارش بود آن را پذیرفت و از دکتر نوایی خواست که با مجله یادگار همکاری کند و بدین گونه فعالیت نوایی در عرصه نگارش از روزنامه نگاری آغاز گردید. همزمان با مجله اطلاعات هفتگی از طریق تدوین مقالات تاریخی همکاری می نمود، مطالب متنوعی هم البته با گرایش به مباحث تاریخی برای نشریه اطلاعات ماهیانه می نوشت. در واقع نوایی نخستین کسی بود که مقالاتی در سال ۱۳۲۷ درباره مشروطه نوشت و در این ماهنامه چاپ شد. وی بعدها بخش هایی از مطالب مندرج در این دو نشریه را به صورت کتابی درآورد. مجله یادگار پس از پنج سال فعالیت تعطیل شد و بدین گونه شکل تلاش های فرهنگی نوایی دچار تحول گردید و تصمیم گرفت به تألیف و تحقیق بپردازد. همزمان برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن مشغول به تحصیل در رشته ادبیات گردید و در سال ۱۳۳۳ موفق به دریافت درجه دکترا شد.

در حدود سال ۱۳۴۰ بود که در وزارت آموزش و پرورش برای جلوگیری از فراوانی کتاب های درسی، کمیسیون هایی به وجود آمد و نوایی به عنوان استاد تاریخ برای همکاری در تألیف کتاب های درسی به این

مرکز فراخوانده شد. اعضای این کمیسیون تصمیم گرفتند تا برای مدارس متوسطه کتاب های یکتواخت نوشته شود. سپس سازمان کتاب های درسی به وجود آمد تا برای دانش آموزان در رشته های مختلف به صورت منقح و سنجیده کتاب نوشته شود، که دکتر نوایی با این تشکیلات هم همکاری داشت.

در سال های دهه ۱۳۵۰، وی به دعوت دکتر پرویز ناتل خانلری در پژوهشگاه عالی فرهنگ، ادبیات و تاریخ را تدریس می کرد، مدت سه ماه هم ریاست دانشگاه تبریز را به عهده داشت. در این مدت کوتاه افراد خبره ای را جذب این مرکز علمی نمود، ولی خودش در آن جا تدریس نداشت و مسائلی موجب گردید تا از چنین سمتی خود را برهاند.

تدریس دکتر نوایی در دانشگاه از مقطع کارشناسی ارشد شروع شد و سپس در مقطع دکترا هم در رشته تاریخ به تربیت دانشجویان مبادرت داشت. دکتر علی اکبر فیاض هم که ریاست دانشگاه مشهد را عهده دار بود به مناسبت سوابق نوایی در مجله یادگار وی را به دانشگاه مذکور دعوت کرد. مدتی هم ایشان با دکتر کریم مجتهدی در اداره دبیرستان البرز همکاری داشت.

نوایی اولین کتاب خود را در تیرماه ۱۳۲۴ ش و در ۲۲ سالگی به نام رجال کتاب حبیب السیر انتشار داد که دکتر عباس اقبال آشتیانی هم بر آن مقدمه ای نوشته است. در واقع او با نگارش این اثر وارد عرصه تحقیق و تتبع گردید و شصت سال از عمر هشتاد ساله خود را صرف بررسی و تفحص در متون کهن تاریخی و اسناد ارزشمند نمود. دست مایه تاریخ علمی ایران را از میان آثار نوایی با تکیه بر جستجو در متون فارسی و در کنج کتابخانه ها به صورت اسناد طبقه بندی شده در هر دوره تاریخی می توان مؤید نگرش وسیع ایشان تلقی کرد. وی علاقه وافری به اسناد تاریخی داشت و بر این باور بود که مورخ زمانی می تواند به قضاوت صحیح در مرحله تحقیق برسد که اسناد دست اول را در اختیار داشته باشد. در واقع او اولین محقق تاریخی است که به اسناد

توجه نمود و آنها را پس از ارزیابی و طبقه بندی چاپ نمود. در سال ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۱ اولین بار اسناد مکاتبات سیاسی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل را چاپ کرد. بعد از آن، پژوهش درباره صفویه را ادامه داد و تاریخ ایران را از شاه اسماعیل تا روی کار آمدن نادرشاه براساس اسناد به طبع سپرد.

آثار دیگر ایشان عبارتند از: کریم خان زند؛ تصحیح تاریخ گزیده؛ چاپ و تصحیح کتاب مرآت البلدان اثر اعتمادالسلطنه؛ دوره سه جلدی کتاب تاریخ ایران و جهان؛ چاپ کتاب تکملة الاخبار عبدی بیک شیرازی با مقدمه، تصحیح و تعلیقات؛ طبع کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین از کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی؛ نایبیا کاشان؛ فتنه پاپ؛ فتح تهران و دولت های ایران از مشروطه تا اولتیماتوم؛ فهرست اعلام و اسامی

تاریخی؛ طبع و نشر کتاب حدیقه الشعراء سید احمد دیوان پیکی شیرازی با تصحیح و تکمیل و تحشیه (دوره سه جلدی). آخرین اثر ایشان کتاب دانشجویان ایرانی در اروپا (طی سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ ش) است که وی با همکاری یکی از دانشجویان خویش به نام الهام ملک زاده تدوین نمود و به همت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد، همچنین چندین اثر نوایی آماده طبع و انتشار می باشد.

نوایی که آخرین شاگرد عباس اقبال آشتیانی و آخرین بازمانده سبک و سیاق تحقیق مرحوم علامه قزوینی بود در سال ۱۳۵۶ ش به درخواست خودش از خدمت در آموزش و پرورش بازنشسته گردید، ولی از آن پس فعالیت خود را با وسعت افزون تری در دانشگاه های تهران، بهشتی، تربیت مدرس،

الزهراء، آزاد اسلامی تهران و ابهر با تدریس و هدایت علمی دانشجویان ادامه داد. همچنین از سال ۱۳۷۳ نیز با عنوان محقق و مسئول واحد پژوهش با انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران همکاری داشته است.

آثار ایشان بارها مورد توجه مسئولان فرهنگی کشور قرار گرفته و طی مراسمی از سوی آنان جوایزی به دکتر نوایی اهدا شده است. قرار بود در چهارمین همایش چهره های ماندگار از وی تجلیل شود که با درگذشت نوایی این تجلیل در هنگام فقدان وی صورت گرفت.

وی که از مدتی قبل به سرطان خون مبتلا بود در ساعت پنج صبح هفدهم مهرماه سال جاری دارفانی را وداع گفت.

غلامرضا گل زواره

*

فرهنگی

◀ برگزاری کنگره نکوداشت

علامه آشتیانی (ره)

مراسم نکوداشت علامه میرزا حسن آشتیانی با عنوان «نخستین کنگره علامه میرزا حسن آشتیانی و نقش وی در جنبش تنباکو» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ / ششم ربیع الثانی ۱۴۲۶ ق برگزار شد.

علامه میرزا حسن آشتیانی که تولدش را در سال ۱۲۴۸ ق نوشته اند پس از تحصیل مقدمات در آشتیان به بروجرد رفت و بعد از چندین سال اقامت در بروجرد به نجف رفت و در محضر علمای آن جا به تحصیل پرداخت. اساتید او در نجف عبارت بودند از: علامه شیخ محسن بن خنفر (م ۱۲۷۰ ق)؛ علامه شیخ محمدحسن

صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق)؛ شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱).

در سال ۱۲۸۲ ق میرزای آشتیانی به ایران بازگشت و در تهران مقیم شد و به تدریس پرداخت. حضور او در تهران باعث گرد آمدن جویندگان علم و دانش در این حوزه شد. آقا بزرگ تهرانی در این باره گوید: «او اولین ناشر تحقیقات و نظرات شیخ اعظم انصاری در ایران است و به همین جهت افراد از همه جا به سوی او آمدند و طالبین علم گردش جمع شدند».

از درخشان ترین برگ های زندگی میرزا حسن آشتیانی رهبری و هدایت نهضتی بود که لغو امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو را در پی داشت. در پی حکم میرزای شیرازی مبنی بر حرمت توتون و تنباکو ناصرالدین شاه به میرزا حسن آشتیانی پیغام داد: یا حکم تحریم

تنباکو را لغو کن یا تهران را ترک گوی. میرزا جواب داد: «نقض حکم میرزا به هیچ وجه برایم ممکن نیست» و خروج از پایتخت را انتخاب کرد. در پی این تصمیم مردم تهران از وی حمایتی بی نظیر انجام دادند که ناصرالدین شاه مجبور شد تقاضا کند علامه از ترک تهران صرف نظر کند.

زمانی که میرزا آشتیانی بعد از سفر حج و دیدار با علمای عتبات عالیات که با استقبال باشکوه علما در سامرا همراه بود به تهران بازگشت، علی رغم دستور ناصرالدین شاه بر منع استقبال از وی، مردم تهران از او استقبال شایانی کردند.

میرزای آشتیانی جمعه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۱۹ ق دارفانی را وداع گفت.

از شاگردان او می توان به اعلام زیر اشاره کرد: